

بعد از آن که ارتباط با پروفیسور به تدریج از هم گسست، عدنان خاشقچی در سپتامبر ۱۹۹۲ به من توصیه کرد تا دکتر امیر یوسفی را به صحنه وارد کنم، روشنفکر ایرانی متخصص در فلسفه ادیان. یوسفی با اقامت دائم در ایالات متحده زندگی می‌کرد اما پاسپورت ایرانی داشت و مجاز بود به ایران بیاید و بدون محدودیتی از آن خارج شود. خاشقچی برای من آشکار کرد که این شخص روابط خوبی با مقامات ایرانی دارد و ضمن سایر موارد، روابط حسنه‌ای با برادر هاشمی رفسنجانی داشت.

امیدوار بودیم که بتوانیم از این روابط استفاده کنیم تا اطلاعات تازه‌ای درباره نرسونث مفقودین به دست آوریم. پیشنهاده خاشقچی را قبول کردم و از روحیا واردی و بنی زایو خواستم تا مرا تا

گردد. در ابتدا خواستند او را داخل ایران نگه دارند اما مقامات تهران امتناع کردند و به همین خاطر آزاد به سوریه نزدیک مرز لبنان منتقل شد و همه اینها بدون اطلاع دمشق و اجازه آن بود.»

بعد از آنکه از «نفجار» پروفیسور آمریکایی داغ شدیم، تصمیم گرفتیم با دقت بیشتری به گفته‌های یوسفی بپردازیم. خواستیم به ما اطمینان دهد که این اطلاعات دقیق هستند اما تصمیم گرفتیم که دور از دسترس نباشد. یوسفی به مبالغه در روابط شش‌هاخه‌اش در ایران و توانایی‌اش برای بازگشایی درها و

خاشقچی برای من آشکار کرد که دکتر امیر یوسفی روابط خوبی با مقامات ایرانی دارد و ضمن سایر موارد، روابط حسنه‌ای با برادر هاشمی رفسنجانی داشت. امیدوار بودیم که بتوانیم از این روابط استفاده کنیم تا...

♦♦♦

«او» هم، یک لبنانی مسیحی، تاجر و

دلالی است که در لندن و اسپانیا زندگی می‌کند. او به خاطر روابط تنگاتنگش با مقامات دولت سوریه به خود می‌بالید. او شخصاً رئیس‌جمهور اسد و برادرش رفعت را می‌شناخت و به این افتخار می‌کرد که به عنوان حامی و تأمین‌کننده هزینه‌ها سرگرمی‌ها برای ژنرال علی دوبا، رئیس اطلاعات سوریه انجام وظیفه می‌کرده است.

در ضمن به عنوان نماینده رئیس‌جمهور سیرالئون در اسپانیا مشغول به کار و درگیر قاچاق الماس و طلا بود و روابط استثنایی هم

در لبنان و عربستان داشت.
منبع سوم، «یاسی»، شخص سوری که در اسپانیا زندگی می‌کند، نماینده رفعت اسد در مدیریت تجارت خانواده در اروپا بود و همچنین کسب و کار ژنرال علی دوبا را مدیریت می‌کرد. در ضمن، در معاملات املاک مشغول بود و کسب و کارهای مختلفی را در خاورمیانه و فرانسه مدیریت می‌کرد.

هر سه به آنها کوسه‌های سرسختی محسوب شدند. من و یوسفی با هر یک از آنها به طور جداگانه ملاقات کردیم و من برای همه توضیح دادم که حاضرم با آنها تجارتي انجام دهم اما بیش از همه برایم مهم است که بر سر موضوع حساس و دردناک سه گم شده نبرد سلطان یعقوب و افسر اسیر رون آرد دست در دست هم بگذاریم.

پیش آنها تأکید کردم که من این کار را به‌عنوان یک شخص غیردولتی و به نمایندگی از والدین انجام می‌دهم و اینکه حاضرم یک میلیون دلار در ازای هر تکه‌ای از اطلاعات پردازدم که نهایتاً منجر به پایان رنج خانواده‌ها شود.

همه به درخواست من پاسخ دادند و گفتند که در چنین موضوعی باید هر تلاشی را برای

کمک انجام داد و اینکه این کار را رایگان انجام

داخت. مسئولیتی که از سال ۱۹۵۵ بر عهده

جیمز جیسس انگلتون قرار داشت. وظیفه

لاوستون نفوذ به اتحادیه‌های کارگری

اروپا، حذف عناصر مشکوک و ترویج ظهور

رهبران مورد قبول واشنگتن به شمار

می‌رفت. در این دوره، لاوستون گزارش‌های

دولار برای من چه ارزشی دارد.»

پاورقی

Research@kayhan.ir

می‌کردند. از آنها هم درخواست شد به هر اطلاعاتی دربارهٔ رون آزاد و مفقودین نبرد سلطان یعقوب دست پیدا کنند.

«یوسی»، لبنانی مسیحی است که در

بیسروت و پاریس زندگی می‌کند، او میلیونری

است که معاملاتی را برای خانواده سلطنتی

سعودی انجام می‌دهد و صاحب رستوران‌های

زنجیره‌ای شرقی در پاریس، کلوب شبانه، دو

دیسکو و یک شرکت کرایه لیموزین است. او

به خوبی با مقامات ارشد سوریه مرتبط شد

و با رفعت اسد برادر رئیس‌جمهور سوریه و

مصطفی طلاس وزیر دفاع سوریه صمیمی بود.

منزل او در پاریس به عنوان یک مرکز و مکان

ملاقات و سرگرمی برای دیپلمات‌ها، افسران

ارتش و بازرگانی از ایالات متحده آمریکا و

به خصوص از سوریه، لبنان و عربستان سعودی

مورد استفاده قرار می‌گرفت. این شخص معدن

طلای اطلاعات و روابط بود.

«او» هم، یک لبنانی مسیحی، تاجر و

دلالی است که در لندن و اسپانیا زندگی

می‌کند. او به خاطر روابط تنگاتنگش با

مقامات دولت سوریه به خود می‌بالید. او

شخصاً رئیس‌جمهور اسد و برادرش رفعت

را می‌شناخت و به این افتخار می‌کرد که

به عنوان حامی و تأمین‌کننده هزینه‌ها

سرگرمی‌ها برای ژنرال علی دوبا، رئیس

اطلاعات سوریه انجام وظیفه می‌کرده است.

در ضمن به عنوان نماینده رئیس‌جمهور

سیرالئون در اسپانیا مشغول به کار و درگیر

قاچاق الماس و طلا بود و روابط استثنایی هم

در لبنان و عربستان داشت.

منبع سوم، «یاسی»، شخص سوری که

در اسپانیا زندگی می‌کند، نماینده رفعت

اسد در مدیریت تجارت خانواده در اروپا بود

و همچنین کسب و کار ژنرال علی دوبا را

مدیریت می‌کرد. در ضمن، در معاملات املاک

مشغول بود و کسب و کارهای مختلفی را در

خاورمیانه و فرانسه مدیریت می‌کرد.

هر سه به آنها کوسه‌های سرسختی محسوب

شدند. من و یوسفی با هر یک از آنها به طور

جداگانه ملاقات کردیم و من برای همه توضیح

دادم که حاضرم با آنها تجارتي انجام دهم اما

بیش از همه برایم مهم است که بر سر موضوع

حساس و دردناک سه گم شده نبرد سلطان

یعقوب و افسر اسیر رون آرد دست در دست

هم بگذاریم.

پیش آنها تأکید کردم که من این کار

را به‌عنوان یک شخص غیردولتی و به

نمایندگی از والدین انجام می‌دهم و اینکه

حاضرم یک میلیون دلار در ازای هر تکه‌ای

از اطلاعات پردازدم که نهایتاً منجر به پایان

رنج خانواده‌ها شود.

همه به درخواست من پاسخ دادند و گفتند

که در چنین موضوعی باید هر تلاشی را برای

کمک انجام داد و اینکه این کار را رایگان انجام

داخت. مسئولیتی که از سال ۱۹۵۵ بر عهده

جیمز جیسس انگلتون قرار داشت. وظیفه

لاوستون نفوذ به اتحادیه‌های کارگری

اروپا، حذف عناصر مشکوک و ترویج ظهور

رهبران مورد قبول واشنگتن به شمار

می‌رفت. در این دوره، لاوستون گزارش‌های

دولار برای من چه ارزشی دارد.»

گروه فشار اصلی برای پیشبرد ایده اروپای متحد در همکاری با آمریکا، جنبش اروپایی بود، سازمانی فراگیر که طیف وسیعی از فعالیت‌های معطوف به ادغام سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را پوشش می‌داد. این جنبش که توسط وینستون چرچیل، آوِرل هریمن و پل هنری اسپاک هدایت می‌شد، تحت نظارت دقیق اطلاعات آمریکا قرار داشت و تقریباً به طور کامل توسط سازمان سیا از طریق یک جبهه ساختگی به نام کمیته آمریکایی اروپای متحد تأمین مالی می‌گردید که اولین دبیر اجرایی آن تام بریدن بود.

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۷۷

مرکز اروپایی فرهنگ

جیمیی در مورد امور اتحادیه‌های کارگری در

بریتانیا را که با کمک رابط‌هایش در کنگره

اتحادیه‌های کارگری و حزب کارگر تهیه شده

بود، در اختیار انگلتون قرار داد.

انگلتون به همتایان خود در سازمان

اطلاعات بریتانیا (البته آن معدود افرادی

که به آنها اعتماد داشت) اجازه داد تا از

«خفی‌کاری داخلی» لاوستون آگاه شوند.

اساساً، لاوستونی‌ها بودند (حتی اگر خودشان

هم این عنوان را قبول نداشتند) که در محافل

کارگری بریتانیا تا اواخر دهه ۱۹۵۰ به اوج

قدرت رسیدند.

برای نفوذ سریع در این گروه، آژانس

اطلاعاتی آمریکا، کنگره آزادی فرهنگی

را مستقر کرد که با هزینه آن، گیتسکل

سفرهایی به دهلی‌نو، روز، برلین و کنفرانس

بازوی فرهنگی جنبش اروپایی، مرکز اروپایی فرهنگ بود که مدیر

آن دنیس دو روژمونث نام داشت. علاوه بر این، برنامه عظیمی از

کمک‌های مالی به انجمن‌های دانشجویی و جوانان، از جمله کمپین

جوانان اروپایی(EYC)، توسط بریدن در سال ۱۹۵۰افتتاح شد.این

سازمان‌ها در پاسخ به راهنمایی‌های سازمان سیا، در خط مقدم یک

کمپین تبلیغاتی ونفوذی به‌وجود آوردند که برای جلب توجه‌جنبش‌های

سیاسی چپ و ایجاد پذیرش سوسیالیسم میانه‌رو طراحی شده بودند.

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی

سمنیارهای بین‌المللی کنگره تحت مدیریت

دانسیل بل کمک کند که برای این منظور

از آمریکا به انگلستان آورده شد. در اوایل

دهه ۱۹۶۰، کراسلند راه خود را به شورای

بین‌المللی کنگره باز کرد. ریتا هیدن، یک

آینده آزادی در میلان در سال ۱۹۵۵ انجام

داد(که ریتا هیدن و دنیس هیلی را نیز جذب

کرد).

آنتونی کراسلند- که کتاب تأثیر گذاری

با عنوان «آینده سوسیالیسم» نوشته بود

و کتابش به مثابه «طرحی برای بریتانیای

آمریکایی‌شده» بود- در سال ۱۹۵۵ کرسی

پارلمانی خود را از دست داد و همزمان توسط

جوسلسون استخدام شد تا به برنامه‌ریزی